

مؤلفه‌های معنایی واژه «فرح» در گفتمان قرآن کریم با تأکید بر روابط هم‌نشینی

غلامرضا خوش‌نیت -
مصیب صیادی -
مهدی شوشتری -

چکیده

یکی از مهم‌ترین محورهای پژوهش قرآنی، کشف و تبیین دقیق معانی آیات و گزاره‌های متشابه است و فهم و دریافت معانی آیات قرآن، بدون شناخت و درک معانی واژگان، ممکن نیست؛ بررسی روابط هم‌نشینی ساخت‌های مختلف یک واژه به تدوین چارچوبی روشن برای معنای غالبی این ساخت‌ها می‌پردازد، با توجه به چنین ضرورتی، پژوهش پیش‌رو با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و بهره‌گیری از آیات و روایات و تفاسیر امامیه، ضمن بررسی هم‌نشین‌ها و ارتباط واژه «فرح» با واژگانی همچون «اتی»، «سوء»، «فضل»، «نصر» و تحلیل محتوای آن‌ها و سیاق آیاتی که واژه «فرح» در آن‌ها استعمال شده به تبیین معنای فرح، جایگاه آن در قرآن کریم، مفاهیم مرتبط با آن و استخراج وجوه معنایی آن از قرآن کریم پرداخته است، نتایج پژوهش حاکی از آن است که در قرآن کریم، با توجه به سیاق آیات، مفهوم فرح دو معنای متفاوت دارد، «فرح» به معنای خوشی در هم‌نشینی با واژگانی همچون «اتی» و «سوء» بیان‌کننده لذت‌های زودگذر و

— استادیار گروه علوم قرآن و حدیث مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (r_khoshneyat@yahoo.com)
— دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول الدین (zarrin1355@gmail.com)
— استادیار گروه فقه و مبانی حقوق مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (mahdishostari@chmail.ir).
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵

غالباً نتیجه‌خواسته‌های انسانی است؛ اما «فرح» به معنای بهروزی در هم‌نشینی با واژگانی همچون «فضل» و «نصر» و در نتیجه نیاز انسان، شکل گرفته و بر برخورداری از ارزش‌های والای انسانی در پرتو ارتباط با خالق هستی و داشتن معنا و هدف در زندگی دلالت دارد.

کلیدواژه‌ها: هم‌نشینی، فرح، معناشناسی، خوشی، بهروزی.

طرح مسئله

یکی از روش‌های فهم متن، روش سمانتیک یا معناشناسی است؛ «ایزوتسو» زبان‌شناس ژاپنی که مطالعات گسترده‌ای پیرامون معناشناسی قرآن انجام داده، آن را تحقیق و مطالعه تحلیلی درباره‌ی واژگان کلیدی زبان تعریف کرده است (ایزوتسو، ۱۳۹۱: ۴) معناشناسی با توجه به تمامی عوامل مؤثر و دخیل در استنباط و فهم معنای صحیح، به توصیف پدیده‌های زبانی در قالب و چارچوب مشخص می‌پردازد. دانش معناشناسی، مطالعه علمی معناست، همچنان که زبان‌شناسی، مطالعه علمی زبان است و منظور از مطالعات علمی، توصیف پدیده‌های زبانی معنا در چارچوب یک نظام، بدون هر پیش‌انگاری است؛ به عبارت دیگر، معناشناسی مطالعه‌ی معنی کلمات، عبارات و جمله‌هاست و همیشه تلاش شده است که به معنای قراردادی واژه‌ها بیشتر تکیه شود تا آنچه گوینده می‌خواهد، واژه را در موقعیت خاصی معنا کند (صفوی، ۱۳۸۷: ۲۲). یکی از روش‌های معناشناسی، معناشناسی توصیفی است. در معناشناسی توصیفی نیز یک مفهوم، اصطلاح یا واژه با توجه به خود متن بررسی می‌شود؛ به این معنا که تمام مسائل مورد نیاز از جمله تعریف، انواع و عوامل یک واژه را از خود متن استخراج می‌کنند. این روش موجب می‌شود در فهم، بررسی و تفسیر یک متن، خود متن به سخن درآید و نه این‌که از طرف متن حرف زده شود. به عبارت دیگر، هدف اصلی روش معناشناسی این است که تفسیر به رأی، به صفر برسد یا به شدت پایین آید و از اعمال نظر خواننده یا تفسیرکننده متن جلوگیری شود.

به اعتقاد «سوسور» واژه‌ها در گفتار، به علت ازپی‌هم درآمدن، روابطی میان خود برقرار می‌کنند که بر بنیاد ویژگی خطّی استوار است که عناصر زبان یکی بعد از دیگری در زنجیره گفتار قرار می‌گیرند این ترکیب‌ها را که تکیه‌گاهشان امتداد زبانی است، می‌توان زنجیره نامید؛ بنابراین زنجیره کلام همیشه از دو یا چند واحد پیاپی تشکیل می‌شود و روابط هم‌نشینی واژگان را به وجود می‌آورد و از همین ارتباط است که معنای نهایی حاصل می‌شود (سوسور، ۱۳۸۰: ۱۷۷). محور هم‌نشینی (مجاورت)، همان محور افقی کلام است که اجزای آن در کنار هم قرار می‌گیرند و عبارت به صورت خطی یا افقی مورد بررسی قرار می‌گیرد و به دامنه معنایی می‌افزاید (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۳).

از آنجاکه قرآن متنی منسجم و نظام‌مند به شمار آمده چنانچه تمامی اجزای آن، نسبت به یکدیگر همگرایی و ارتباط معنایی دارند، براین اساس واکاوی موارد کاربرد واژه‌های خاص در قرآن و تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از آن، می‌تواند منجر به شناخت جامع‌تر دیدگاه و حیانی در باب مفهومی از مفاهیم قرآنی شود. تحقیق و پژوهش در تک‌واژه‌های قرآن در دوران گذشته نوعاً به صورت مفهوم نظری و تفسیری بوده آنچه که در پژوهش‌ها مورد توجه قرار نمی‌گرفت بررسی ارتباط سیستماتیک و زنجیروار کلمات قرآن بر مبنای روابط هم‌نشینی و جانشینی بوده است. در سه دهه اخیر تعدادی از واژه‌های قرآنی مانند احباط، احسان، نزول، مرض، کبد، جهل و ... در قالب مقاله بر مبنای روابط هم‌نشینی و جانشینی و یا جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند ولی هیچ‌کدام واژه فرح را به صورت دقیق مورد بررسی قرار نداده‌اند هرچند که مقالاتی همچون «لذت و فرح در قرآن کریم»، «تبیین رویکرد عرفای مسلمان نسبت به فرح و شادمانی باتوجه به آیات و روایات»، «معناشناسی فرح در قرآن کریم؛ پاسخی بر شبهه نکوهش شادی در قرآن» در این راستا به نگارش درآمده اما این مقالات قادر به کاوش در ژرفای معنایی و زیبایی ساختاری واژه نبوده و در نهایت موفق به کشف ابهام معنایی و پاسخگویی به شبهات نشده‌اند؛ هرچند که شیوه تحلیل یافته‌های پژوهش هرکدام از مقالات و نتایج به دست آمده نیز متفاوت می‌باشد. محوریت پژوهش حاضر، تلاش برای کشف روشمند معناشناسی «فرح» در گفتمان قرآن کریم بر پایه روابط هم‌نشینی و همچنین مذاقه و ارزیابی مفهوم‌سازی‌های نهفته در این تعبیر الهی می‌باشد.

مفهوم «فرح»، با جنبه‌های مختلف زندگی پیوندی تنگاتنگ دارد لذا کاربرد وسیعی در قرآن کریم پیدا کرده است؛ با توجه به اینکه بررسی این واژه در میان شبکه مفاهیم قرآنی، باعث کشف، تبیین جایگاه، استخراج وجوه معنایی و مفاهیم مرتبط با آن و نفی تعارض ظاهری می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ پژوهشگر ضمن واکاوی حوزه معناشناختی مفهوم فرح بر محور هم‌نشینی، با روش توصیفی - تحلیلی به سؤالات ذیل پاسخ می‌دهد:

- ۱- سطوح و لایه‌های معنایی مختلف واژه «فرح» در قرآن کریم کدام است؟
- ۲- مفهوم واژه «فرح» در کاربرد وحیانی بر محور هم‌نشینی، در ارتباط با کدام واژگان قرآنی است؟

مفهوم‌شناسی «فرح»

راغب اصفهانی در المفردات «فرح» را به جهت لذت زودگذر جسمانی و بدنی، شادی و انبساط خاطر، معنی کرده است. او می‌گوید: «فرح» در قرآن مجید بیشتر برای شادی‌های مذموم آمده که منبعث از نیروی شهوانی و لذت بدنی توأم با خرسندی است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۳۷). ابن فارس فرح را برخلاف حزن دانسته است (ابن فارس، ۱۳۸۲: ۷۷۷) و در کتاب التحقیق «فرح» به معنای انبساط و باز شدن مطلق در باطن و درون آمده است (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۹: ۴۸ - ۴۹). شادی توأم با تکبر را فرح گویند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۱۵۷). در اقرب از موارد گوید: «فرح در شادی مذموم که ناشی از تکبر و قوه شهوت است به‌کاررفته است» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲: ۵۴۱). رویکرد روان‌شناسان به مقوله «فرح»، دارای فراز و نشیب بوده است. بر اساس نظر یورگنسن، نفستاد، آلان کار، رویکرد نخست، لذت‌گرایانه بوده است. رویکرد لذت‌گرا، شادمانی و زندگی خوب را برحسب جستجوی لذت و پرهیز از درد تعریف می‌کند. این رویکرد ریشه در فلسفه یونان قدیم دارد. اپیکور (۳۴۰ ق.م) معتقد بود که هدف هر انسانی درنهایت، کسب بیشترین لذت و رهایی از درد است (ژان برن، ۱۳۵۷: ۱۲۳). به‌مرور زمان کاستی‌های لذت‌گرایی مشخص شد و مشاهدات و مطالعات تجربی نشان داد که لذت‌گرایی نمی‌تواند شادکامی و سعادت‌مندی را به ارمغان آورد به همین جهت، آرام‌آرام مخالفت‌ها با این رویکرد شکل گرفت. این حقیقت موجب شکل‌گیری رویکرد دوم شد.

رویکرد دوم در نگاه به زندگی خوب و توأم با شادکامی، رویکرد سعادت‌گرا است. در هزاره جدید، شادکامی بیش از آنکه بر رویکرد لذت‌گرا مبتنی باشد، بر پایه رویکرد سعادت‌گرا استوار است. این رویکرد نیز ریشه در آرای ارسطو دارد. هم در نظریه ارسطو و هم در شارحان بعدی وی، سعادت آدمی به آن است که بتواند در طی زندگی، توانائی‌های بالقوه و فضائل نهفته خود را بالفعل کند و به رشد و کمال برسد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ۲۳).

در متون دینی (قرآن و حدیث) «فرح» به‌صورت گسترده، مورد بحث قرار گرفته است. به همین جهت، اندیشمندان مسلمان نیز به این موضوع پرداخته‌اند که شاید بیشتر رویکرد اخلاقی داشته باشد؛ برآیند برداشت‌های اندیشمندان مسلمان از «فرح»، آن است که واژه‌های سرور، شادی، نشاط، فرح و شادمانی، دسته‌ای از عواطف ارزشمندی هستند که خداوند به‌منظور حفظ بقای انسان در وجود او نهاده است (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، حدیث ۴۳۶، ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۱۴). اندیشمند معاصر، شهید مرتضی مطهری رحمته‌الله با رویکردی روان‌شناسانه و اسلامی می‌گوید: سرور، حالت خوش و لذت‌بخشی است که از علم و اطلاع بر این که یکی از هدف‌ها و آرزوها انجام یافته یا خواهد یافت، به انسان دست می‌دهد و غم و اندوه، حالت ناگواری و دردناکی است که از اطلاع بر انجام نشدن یکی از هدف‌ها و آرزوها به انسان دست می‌دهد (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲: ۶۶). شادی، رفتاری است که باعث انبساط خاطر فرد می‌شود و از نیاز حیاتی که سلامتی عاطفی او را به دنبال دارد، حکایت می‌کند. از نظر اسلام، شادی، آدمی را از تنبلی رهانیده و سرزنده و سرحال می‌سازد (کاشفی، ۱۳۸۳: ۷۵ - ۷۸). در فرهنگ دین، شادکامی همان سرور، رسیدن به اوصاف پنهانی و قلبی و دستیابی به منفعتی است که مصلحت دین و دنیای شخص را تضمین می‌کند. دکتر عباس پسندیده در کتاب الگوی اسلامی شادکامی به این نتیجه رسیده است که شادی، شناختی است که از مراتب کمال انسان به وجود می‌آید و با یک سرور بی‌انتهای همراه است که این سرور از ثبات و پایداری برخوردار است (پسندیده، ۱۳۹۲: ۵۹).

مؤلفه‌های معنایی «فرح» در گستره روابط هم‌نشینی

واژه «فرح» در کاربرد وحیانی و در رابطه هم‌نشینی با دیگر واژگان قرآنی در رشته‌ای زنجیره‌وار به هم می‌رسند و بار معنایی خاصی را به ذهن متبادر می‌کنند. فهم هم‌نشینی این واژه به دلیل

نوع نگاه متفاوت مکاتب مختلف به حقیقت آن و تفاوت با دیگر واژگان در هم‌نشینی، از چنان جایگاه مهمی در قرآن برخوردار است که هویدا شدن آن، حوزه‌های معنایی متعددی را به روی خوانندگان آشکار می‌سازد و باعث کشف کنه حقیقت آن می‌شود. در ادامه به بررسی حوزه‌های معنایی «فرح» بر محور هم‌نشینی می‌پردازیم:

رابطه معنایی «فرح» و «اتی»:

اتی از واژه‌هایی است که هم‌نشین فرح شده است. واژه اتی ۵۴۹ بار در قرآن تکرار شده است و در چهار آیه (آل عمران: ۱۸۸)، «لَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُتُوا وَيَحِبُّونَ أَنْ يُحَدِّثُوا بِمَا لَمْ...» (حدید: ۲۳)، «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (انعام: ۴۴)، «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ» (قصص: ۷۶)، «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَىٰ الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ» با فرح هم‌نشین شده است.

در کتاب‌های لغت «اتی» به معنای «داد، اعطا کرد» آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶۰، طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۸) و آنچه اعطا می‌شود، دارایی، مقام، موقعیت اجتماعی و سایر تعلقات زندگی دنیوی است، این تعلقات غالباً موجب اشتغال خاطر، تمایل روح انسانی به آن، غفلت از اعمال عبادی، بی‌توجهی به مردم‌داری و کم‌توجهی برای تقرب به ساحت قدس الهی می‌گردد. در تفاسیر مختلف در ذیل آیات ذکر شده آورده شده که اصطلاح «اتی» و مشتقات آن یعنی به آنچه از مال که خدا به ایشان انعام فرموده و لازمه آن مال دوستی و بخل ورزیدن از انفاق آن است و اگر می‌فرماید این طایفه از مردم که علاقه شدید به مال و جاه دارند هلاک می‌شوند، برای این است که دل‌هایشان وابسته و علاقه‌مند به باطل است و دیگر حق بر آنان ولایتی ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۳۲).

شادی به زندگی دنیوی (رعد: ۲۶)؛ خوش‌گذرانی (قصص: ۷۶ و ۷۷)؛ خودبینی (حدید: ۲۲ و ۲۳)؛ مغرور شدن (انعام: ۴۴)، بهره‌مندی از طبیعت و مواهب آن (یونس: ۲۲)؛ انجام کردار زشت و امید به ستایش دیگران (آل عمران: ۱۸۸)، دریافت و پرداخت هدیه (نمل: ۳۶)، بهره‌مندی از علم (غافر: ۸۳)، تعصبات قومی و قبیله‌ای (مؤمنون: ۵۳)، اوهام باطل (روم: ۳۲) در قرآن مورد نکوهش قرار گرفته است؛ چراکه زندگی دنیا کم‌ارزش‌تر از آن است که در برابر زندگی آخرت قرار گیرد، بلکه نسبت

به آن وسیله‌ای بیش نیست. نتیجه این که در هم‌نشینی فرح با واژگان مختلف، هرگاه خوشحالی بر داده‌های خداوند، باعث فراموشی یاد خدا شود مورد نکوهش است.

اموال می‌تواند موجب شقاوت و نا شادکامی گردد، مال به جهت جذابیتی که دارد ممکن است در برابر مؤلفه‌های مثبت زندگی قرار گیرد (کهف، ۴۶) در روایات اسلامی از مال به‌عنوان شهوات باطل یاد شده (نهج‌البلاغه، حکمت ۵۸) که دام ابلیس بوده (کلینی، ج ۲: ۳۱۵) و از عوامل نابودی انسان به شمار رفته است به همین جهت از حب مال پرهیز داده شده است روزی فراوان، شاید به نظر خوش آید؛ اما ممکن است در نهایت، به نابودی انسان منجر شود (کلینی، ج ۲: ۳۱۶) لذا نمی‌تواند موجب رضامندی واقعی گردد هرچند شاید رضامندی دروغین و کوتاه‌مدت به ارمان آرد (پسندیده، ۱۳۹۲: ۴۰۶).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: اگر مال و دارایی کسی از راه صحیح و مشروع به دست آمده باشد و قسمتی از آن صرف کمک به نیازمندان و درماندگان شود؛ این ثروت و دارایی نه تنها مذموم نیست، بلکه پسندیده و مورد قبول خداوند است. «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (توبه: ۲۰). اما قرآن برخی اموال و دارایی‌ها را عامل تقرب به خداوند نمی‌داند: «وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِأَتَىٰ تَقْرِبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جِزَاءٌ لِّضَعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ» (سبأ: ۳۷). در برخی دیگر از آیات نیز به کسانی که فکر می‌کنند جمع آوری پول باعث جاودانه شدنشان می‌شود تذکر می‌دهد که این کار (جمع آوری پول و مال)، نه تنها باعث جاودانگی شما نمی‌شود؛ بلکه باعث گرفتاری‌های عیدیه‌ای در این عالم و عوالم بعد نیز می‌شود: «كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ» (همزه: ۴). فرح، خوشحالی، اختیال و افتخار خارج از اندازه به جهت دارایی و دلبستگی به دنیا باعث غفلت و فراموشی آخرت می‌شود به همین دلیل فرح در آیه شریفه: «وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (حدید: ۲۳) و آیات مشابه مورد مذمت واقع شده است.

رابطه معنایی «فرح» و «سوء»

یکی دیگر از واژگانی که فرح با آن‌ها هم‌نشین شده واژه سوء است، واژه سوء با مشتقاتش ۱۶۷ بار در قرآن تکرار شده است. سیئه که جمعش سیئات است به طوری که از ماده آن (سین، واو،

همزه) و هیئت آن برمی‌آید به معنای حادثه و یا عملی است که زشتی و بدی را با خود همراه دارد و به همین جهت گاهی لفظ آن بر امور و مصائبی که آدمی را بدحال می‌کند اطلاق می‌شود. ابن‌فارس می‌گوید که سوء از باب قبح است و برای همین گناه، سیئه نامیده شده است و آتش جهنم، در آیه ۱۰ سوره روم به خاطر زشتی منظره آن، «سوأی» نامیده شده است (ابن‌فارس، ۱۴۲۲: ۴۷۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۵: ۲۵۱). علامه طباطبائی رحمته‌الله در باب «سیئه» می‌فرماید: این کلمه به حادثه یا عملی اطلاق می‌گردد که در آن زشتی باشد؛ لذا گاهی به مصائب و حوادث بدی که برای انسان اتفاق می‌افتد، اطلاق می‌گردد؛ مانند آیه «... وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ...» (نساء: ۷۹) و آنچه از بدی به تو می‌رسد از سوی خود توست...، ایزوتسو می‌نویسد: «واژه سیئه که تقریباً معادل (بد و زشت) است، می‌تواند در بعضی بافت‌ها؛ مانند آیات ۹۲ و ۹۳ سوره اعراف به معنای سختی، بدبختی و نومیدی به کار رود» (ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۷۶). در تبیین معنای سوء می‌توان به آیه ۱۲۰ سوره آل‌عمران اشاره کرد چنان‌چه خداوند متعال می‌فرماید «ان تَمَسَّكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا» شایسته نیست که انسان نسبت به مشکلات و گرفتاری دیگران خوشحالی و شادی کند؛ در تحلیل قرآنی، بدخواهان، بدترین مخلوقات و آفریده‌های خداوندی هستند. با توجه به آیات ذکر شده فرح حاصل از سوء نیز مورد نکوهش قرار گرفته است.

رابطه معنایی «فرح» و «فضل»

از دیگر واژگان هم‌نشین فرح، واژه فضل است، «فَضْلٌ» به معنای هر چیزی است که بیش از مقدار لازم از مواهب و نعمت‌ها بوده باشد. فضل نود بار در قرآن آمده است. راغب گفته است «الْفَضْلُ: الزِّيَادَةُ عَنِ الْقِصَارِ»، در مصباح آمده «فَضْلٌ فَضْلًا» یعنی زیادت یافت «خُذِ الْفَضْلَ» یعنی زیادت را بگیر. در قاموس آن را ضد نقص گفته است. راغب گوید هر عطیه‌ای را که بر معطی لازم نیست فضل گویند. یعنی احسان و رحمتی که خدا بر بندگان می‌کند لازم نیست بلکه از روی لطف و کرم عطا می‌کند لذا به آن فضل گوییم که زیادت است و گرنه بندگان حقی در نزد خدا ندارند. در یک بیان کلی می‌توان گفت «فضل» به معنای معروف یعنی امری پسندیده است (ابن منظور،

باتوجه به هم‌نشینی‌های فضل می‌توان گفت که خدا بر همه مردم صاحب فضل است ولی اکثر مردم سپاسگزار نیستند (بقره: ۲۴۳ و آل‌عمران: ۷۴). خداوند فضل خود را به هر که بخواهد می‌دهد (مائده: ۵۴). اگر فضل و رحمت خدا نبود جز اندکی از انسان‌ها از شیطان پیروی می‌کردند (نساء: ۸۳). از فضل خدا روزی طلب کنید (جمعه: ۱۰). برخی فضل خدا را کتمان می‌کنند (نساء: ۳۷). برخی به خاطر فضل خدا بر دیگران به آنان حسادت می‌ورزند (نساء: ۵۴). [خدا] کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به فضل خویش پاداش می‌دهد (روم: ۴۵). برخی به دلیل برخوردارگی از فضل خداوند شادمان‌اند و دچار هیچ ترس و اندوهی نخواهند شد (آل‌عمران: ۱۷۰). اگر به فضل و رحمت خداوند شاد باشید از هر آنچه جمع می‌کنید بهتر است (یونس: ۵۸).

در قرآن کریم «فضل» در دو معنای «برتری دادن و اعطا و بخشش» به کاررفته است، البته معنای فضل با توجه به سیاق آیات متفاوت است و قرار گرفتن در متن آیه موجب انتزاع معنایی خاص از این واژه می‌شود؛ بنابراین نمی‌توان معنای اصطلاحی دقیقی را ارائه داد. در مورد واژه «فضل» می‌توان گفت که یکی از اوصاف الهی است و نهایت رحمت و رأفت و لطف الهی را می‌رساند. خداوند در مقابل عمل آدمی بیشتر از آنچه که باید بدهد، می‌دهد. این واژه در مقابله با دیگر کلمات؛ همچون رحمت، احسان و رأفت پیشی دارد و دایره گسترده‌تری را از بخشش و لطف الهی می‌رساند. در مواجهه با آیات کریمه که مشتمل بر بیان این لفظ هستند در بین تفاسیر دیدگاه‌های بعضاً متفاوت و بعضاً مشابه دیده می‌شود و همچنین فضل الهی در قرآن دارای مصادیق متعددی است که از جمله آن‌ها می‌توان به اسلام، قرآن، نبوت، رزق، بهشت و پیامبر ﷺ اشاره کرد.

شادی به فضل و رحمت خداوند متعال، شادی پایه‌دار و از عالی‌ترین مراتب شادی است چنانچه در آیه ۵۸ سوره یونس اشاره به این دارد که «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» فضل و رحمت خداوند همیشگی است و همواره به همه مخلوقات افاضه می‌گردد. امیرالمؤمنین ﷺ درباره خصائص تقوای پیشگان بیان می‌کنند: «يُصْبِحُ فَرِحًا... فَرِحًا بِمَا أَصَابَ مِنَ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ؛ شادمان شب را روز می‌کند... شادمان از بخشش و آمرزشی که به او رسیده است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳). شیخ طبرسی در تفسیر آیه فوق آورده است که ای محمد ﷺ به این مردمانی که به دنیا دل خوش کرده و شادمان هستند و بدان تکیه کرده و جمع‌آوری می‌کنند بگو اگر

خواستید به چیزی دل خوش شوید و شادمان گردید به فضل و رحمت خدا دل خوش شوید که قرآن را بر شما نازل فرموده و محمد ﷺ را به سوی شما فرستاده است؛ زیرا شما به وسیله آن دو می‌توانید نعمت دائمی و جاویدانی را برای خود تحصیل کنید که بهتر از این دنیای ناپایدار است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۳۱۶). نتیجه مفهوم معنایی فرح با واژه فضل این است که هرگاه شادمانی بر نعمت‌های اعطا شده خداوند باشد مورد ستایش است.

رابطه معنایی «فرح» و «نصر»

از دیگر واژگان هم‌نشین فرح واژه نصر است این واژه ۱۴۳ بار در قرآن آمده که به معنای «یاری» است. نصرت انبیاء و مؤمنان از سنت‌های الهی است و باید به تحقق نصرت الهی ایمان داشت. یاری خداوند به دو بخش مادی و معنوی تقسیم می‌شود که در بخش مادی همه انسان‌ها از کمک الهی برخوردارند؛ چه بسا انسان‌های غیر مؤمن به دلیل عدم محدودیت در کسب، از سرمایه بیشتری برخوردار باشند اما در بخش معنوی، در راستای وعده الهی کسی که تقوای خدا داشته و دین خدا را یاری نماید از عنایات و کمک‌های خاص او بهره‌مند خواهد بود.

با در نظر گرفتن هم‌نشینی‌های نصر، مؤلفه‌های معنایی آن بدین شرح است که نصرت خداوند قطعی است؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید «به یقین ما فرستادگان خود و کسانی را که (به آن‌ها) ایمان آورده‌اند یاری می‌دهیم» (غافر: ۵۱). نصرت‌های ویژه و مخصوص، بیشتر شامل امور معنوی و روحانی است (انفال: ۲۹ و محمد: ۷). یکی از راه‌های دریافت نصرت خداوند دعاست (بقره: ۱۸۶ و غافر: ۶۰). اگر انسان مصداق «الذین آمنوا» باشد اگر تمام زمین و آسمان به او فشار آورده و کمر به نابودی او ببندند باز با یاری خداوند پیروز خواهد شد (حج: ۳۸). نصرت الهی در مورد پیامبران و مؤمنان به صورت‌های مختلف جلوه می‌کند؛ گاهی با ایجاد الفت و گرایش دل‌ها (ابراهیم: ۲۷) گاهی با استجابات دعا (شوری: ۲۶؛ یوسف: ۳۴ و نوح: ۲۶). گاهی با معجزه (حدید: ۲۵). گاهی با عطای حکومت (نسا: ۵۴). گاهی با غلبه در جنگ (توبه: ۲۵). گاهی با سکینه و آرامش قلب (توبه: ۴۰). گاهی با امداد غیبی و نزول فرشتگان (آل عمران: ۱۲۴ و حشر: ۲) و... محقق می‌شود. بر اساس آیات قرآن کریم یکی از راه‌های کسب شادی اعتقاد به نصرت الهی است. مؤمنان به نصرت و یاری کردن خداوند خوشحال می‌شوند چنان‌که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید «... یَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ

مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» (روم: ۴-۵) با بررسی آیات ذکر شده «فرح» در هم‌نشینی با نصر ممدوح و مورد تأیید خداوند متعال می‌باشد.

تحلیل یافته‌های پژوهش

بررسی رابطه هم‌نشینی ساخت‌های مختلف واژه فرح با واژه‌های «اتی»، «سوء»، «فضل» و «نصر» به تدوین چارچوبی روشن برای تبیین و تفکیک دقیق معنایی واژه رهنمون می‌شود، واژه فرح در هم‌نشینی با «اتی» و «سوء» به معنای خوشی و در هم‌نشینی با دو واژه «فضل» و «نصر» بر معنای بهروزی دلالت دارد، تفاوت مفهومی این دو معنا نیازمند توضیحاتی است که در ادامه پژوهش بدان پرداخته می‌شود.

فرح به معنای خوشی

یکی از گرایش‌های فطری انسان، گرایش به لذت و خوشی و راحتی است که با فرار از درد و رنج و ناراحتی، همراه است. معنای فطری بودن این گرایش آن است که ساختمان روح انسان طوری است که نمی‌تواند از لذت و خوشی صرف‌نظر کند و یا این‌که طالب رنج و مشقت و سختی باشد؛ یعنی نمی‌توان کسی را مذمت کرد که چرا طالب لذت و خوشی است یا کسی را مدح کرد برای این‌که طالب لذت است یا از درد و رنج می‌گریزد. لذت به معنای خوشی در مقابل الم است و آن ادراک ملائم است از آن جهت که ملائم با طبع است. حقیقت لذت، عبارت است از ادراک چیزی که ملائم و موافق با طبیعت و روحیه انسان باشد؛ یعنی درک چنین اموری برای انسان، لذت‌آور و موجب شادی و انبساط خاطر او می‌گردد.

با بررسی آیات ذکرشده در مبحث رابطه معنایی اتی و سوء با فرح، شادی به میزان برآورده شدن لذات مورد علاقه فرد و میزان الم، درد، بدی و ناخوشی که در زندگی به او می‌رسد بستگی دارد. انسان شاد کسی است که بیشترین لذت را در زندگی برده است و ناشاد کسی است که بیشترین درد و سختی کشیده باشد. تأکید این تفسیر از فرح بر روی لذت و الم است. حال اگر فرح به این معنا تفسیر شود، بهترین لغت می‌تواند خوشی باشد. خوشی که بنای آن بر هوی و هوس پایه‌گذاری شده باشد؛ چنانچه در تفسیر آیه «مَنْ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِعًا كُلَّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ

فَرِحُونَ» (روم: ۳۲) مشرکین به خاطر تفرقی که در کلمه و تشتی که در دین دارند، دسته‌دسته و حزب حزب هستند و هر حزب به دین خود خوشحال شدند و اساس دین خود را بر هوی و هوس نهادند مذمت شده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۲۷۳) و در آیاتی همچون «ان تَمَسَّكُمْ حَسَنَةً تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا» (آل عمران: ۱۲۰)، «ان تُصِيبْكُمْ حَسَنَةً تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرًا مِنْ قَبْلُ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ» (توبه: ۵۰)، «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ» (توبه: ۸۱)، «لَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يَحْمَدُوا بِمَا لَمْ...» (آل عمران: ۱۸۸) نیز فرح به دلیل ذکر شده مورد سرزنش قرار گرفته است.

روایات وارد شده پیرامون فرح نیز این مهم را تأیید می‌کند، ابن جریر از محمد بن کعب قرضی و دیگران روایت کرده که گفتند: رسول خدا ﷺ در شدت حرارت هوا به جنگ تبوک رفت، مردی از بنی سلمه خطاب به مردم نموده، گفت: در این شدت گرما از شهر و خانه‌های خود بیرون نروید، خداوند در پاسخش این آیه را نازل کرد: «بگو آتش جهنم حرارتش شدیدتر است» (سیوطی، ج ۳: ۲۶۵) کسانی که گفتند هوا گرم است، به دنبال خوشی و لذت بودند چراکه اغلب انسان‌ها به دنبال راحتی و خوشی هستند.

انسان پیوسته در جستجوی شادی است. در حقیقت فلسفه زندگی که توسط نحله‌های فکری تبیین می‌شود همواره معطوف به کسب شادی و سعادت بشر است. فلسفه غرب با آرای شاگردان سقراط - که در بسیاری از موارد منعکس‌کننده دیدگاه‌های اوست - آغاز می‌شود. آریستپوس سیرنی یکی از شاگردان سقراط با دیدگاهی متفاوت با او، بر این نظر بود که هدف زندگی جستجوی لذت‌های بیرونی است و التذاذ از این لذت‌ها برابر با شادی واقعی است. او را که خود زندگی بسیار مجللی داشت را می‌توان بنیان‌گذار مکتب «خوش‌باشی»^۲ دانست. در این مکتب شادی به میزان برآورده شدن لذات مورد علاقه فرد و میزان الم و دردی که در زندگی به او می‌رسد بستگی دارد. کامروا کسی است که بیشترین لذت را در زندگی برده است و نا کامروا آن کسی است که بیشترین درد و سختی را برده باشد.

1. Aristippus of Cyrene

2. hedonism

فرح به معنای بهروزی

در تقابل مفهوم خوشی برای واژه «فرح» معنای دیگری نیز از رابطه هم‌نشینی به دست آمد که با عنوان بهروزی از آن یاد شده است این برداشت از شادی، در کانون توجه شاخه‌ای از روان‌شناسی به نام روان‌شناسی مثبت‌گرا نیز قرار دارد. از این رو در بسیاری از پژوهش‌های روان‌شناسی از بهروزی به عنوان سلامت ذهنی یاد می‌شود. روان‌شناسی مثبت‌گرا به علم مطالعه عملکرد بهینه انسان اشاره دارد (سیلگمن و همکاران، ۲۰۰۰: ۲۳) و بر چگونگی شکوفایی زندگی انسان متمرکز است (سیلگمن، ۲۰۰۵: ۲۵). در پرتو این علم افزایش حالت‌های مثبت و کاهش حالت‌های منفی در انسان‌ها به عنوان بهروزی تعریف می‌شود (امرالهی بیوکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۲).

این دیدگاه به اینکه فردی خوش است یا ناخوش است تأکیدی ندارد. بهروزی یعنی اینکه چه چیزی درخور انسان است و چه چیزی است که انسان فقط مستحق آن است. در این دیدگاه بر این مطلب تأکید دارد که آیا موهبتی هست که فقط در شأن انسان باشد؟ مهم این است که انسان چقدر از مواهب انسانی برخوردار است نه این که چقدر لذت می‌برد. به عبارتی اگر بین انسانیت و لذت تعارضی پیش آمد بنا بر دیدگاه دوم باید به دنبال انسانیت بود نه به دنبال لذت. در بعضی از این آیات، مؤمنان به شادی و خوشحالی دعوت شده‌اند؛ چراکه به دنبال بهروزی بودند. شیخ طبرسی در تفسیر آیه «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس: ۵۸) آورده است که ای محمد ﷺ به این مردمانی که به دنیا دل خوش کرده و شادمان هستند و بدان تکیه کرده و جمع‌آوری می‌کنند بگو اگر خواستید به چیزی دل خوش شوید و شادمان گردید به فضل و رحمت خدا دل خوش شوید که قرآن را بر شما نازل فرموده و محمد ﷺ را به سوی شما فرستاده است؛ زیرا شما به وسیله آن دو می‌توانید نعمت دائمی و جاویدانی را برای خود تحصیل کنید که بهتر از این دنیای ناپایدار است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۱۱۶: ۳).

در الدر المنثور است که ابن ابی شیبیه، ابن جریر، ابن منذر، ابن ابی حاتم و بیهقی از ابن عباس روایت کرده‌اند که در تفسیر جمله «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ» گفته است: «منظور از فضل خدا قرآن است و از رحمت خدا این است که مسلمانان را از اهل قرآن قرار داده» (سیوطی، ج ۳: ۳۰۸). این روایت می‌خواهد بگوید منظور از فضل خدا مواد معارف و احکامی است که در قرآن آمده و مراد از رحمت خدا فعلیت و تحقق آن مواد در مردم عالم است و تمامی معارف و احکام

مورد بحث در جهت کسب و تقویت انسانیت است (طباطبایی، ج ۱۰: ۱۴۱). معارف و احکام صادرشده از طرف خداوند متعال و کاربست آن برای نیل به بهروزی است. در نتیجه بهروزی یعنی تلاش برای کمال در جهت شکوفایی توانایی‌های بالقوه واقعی، ارتقاء کیفیت ارتباطات آن‌ها با دیگران، ادراک فرد از یکپارچگی آن‌ها با جامعه، پذیرش دیگران، پیوستگی با اجتماع و احساس فرد از مشارکت با جامعه و بالابردن میزان ارتباط رضایت‌بخش فرد با خدا می‌باشد (ام‌اللهی بیوکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۶).

دلایل تفاوت معنایی خوشی و بهروزی

شناخت تفاوت معنایی دو مفهوم خوشی و بهروزی ما را در جهت کسب درک بهتر این دو مفهوم کمک می‌کند که در ذیل به آن پرداخته می‌شود:

۱. داشتن معنی در زندگی:

اگر انسان معنای حقیقی زندگی را درک نکند، زنده‌بودن ارزشی نخواهد داشت. هرچند که همه امکانات زندگی کردن فراهم باشد. دلیل ایجاد حس نارضایتی در زندگی به‌خاطر نداشتن یا کمبود رفاه نیست. چه بسیار افرادی که در زندگی ساده و حتی سختی قرار دارند، اما از زندگی راضی هستند و از لذت‌های زندگی‌شان بهره می‌برند. آنچه مشخص است اینکه ناکامی در دریافت معنای واقعی زندگی است که موجب احساس ناامیدی و یاس در زندگی می‌شود. می‌توان این‌طور بیان کرد که زندگی دارای دو بعد است. یک بعد به معنای مادی و بعد دیگر معنوی است. آنچه مهم است اینکه هر انسانی کامیابی خود را بیشتر در کدام بعد ببیند. اگر فردی کامیابی و خوشنودی خود را در مطالبات دنیوی ببیند به دنبال خوشی است ولی اگر انسانیت و فضیلت‌های اخلاقی برایش مهم بود او به دنبال بهروزی است. خوشی به خوشنودی افراد بستگی دارد و یا لذتی که در زندگی می‌برند اما بهروزی به لیاقت انسان نامیدن افراد بستگی دارد. به دنبال خوشی بودن در نتیجه هوسرانی و تفریحات دنیوی باطل در آیه ۷۵ سوره غافر «ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ؛ این قهر و عذاب شما کافران بدین سبب است که در دنیا از پی تفریح و هوسرانی باطل بودید و دایم به نشاط و شهوت‌پرستی سرگرم شدید» مورد تأکید قرار گرفته است

و اینکه فرمود: «وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ» (رعد: ۲۶) به طوری که از سیاق برمی‌آید، مقصود از آن این است که رزق حقیقی همانا رزق آخرت است و لیکن ناقضین عهد به خاطر تمایل به ظاهر زندگی دنیا و زینت‌های آن، از زندگی و رزق آخرت غافل گشته، به دنیا اعتماد نموده‌اند و در نتیجه به داشتن آن خوشحالی می‌کنند و حال آنکه زندگی دنیا متاع و وسیله است و مقصود بالذات نیست و باید از آن برای زندگی دیگر استفاده کرد و بنابراین، اگر زندگی دنیا را با زندگی آخرت مقایسه کنیم و مجموع آن دو را در نظر بگیریم، وقتی حق است که به نظر آلی و مقدمی لحاظ شود و منظور از آن کسب رزق آخرت و وسیله زندگی آن سرای بوده باشد. این مفهوم را فقط انسان‌هایی درک می‌کنند که در زندگی معنی داشته باشند و هدف مشخصی را دنبال می‌کنند اما اگر برعکس، منظور از آن خود باشد و به نظر استقلالی لحاظ شود، خود یکی از مصادیق باطل خواهد بود، که چون کف سیل پس از خشکیدن از بین می‌رود و مورد انتفاع قرار نمی‌گیرد، هم‌چنان که در آیه‌ای دیگر فرموده: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۷۶) و یا کسانی که از نرفتن به جنگ خوشحال شدند «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ» (توبه: ۸۱). آن‌هایی که از جهاد در رکاب رسول خدا باز نهاده شدند از این بازماندشان خوشحال‌اند و مجاهده به مال و جانشان در راه خدا را خوش نداشتند و مؤمنان را هم از جهاد منع کرده و به آن‌ها گفتند: شما در این هوای سوزان از وطن خود بیرون نروید! آنان را بگو: آتش دوزخ بسیار سوزان‌تر است، اگر می‌فهمیدند.

۲. علم و آگاهی:

انسان‌ها همگی با «خواسته‌های» خود حدوداً آشنایی دارند؛ اما لزوماً از «نیازهای» خود باخبر نیستند، بعد از گذشت شش هزار سال از مکتوبات تاریخی، صاحب‌نظران هنوز بر سر نیازهای انسان به توافق نرسیده‌اند؛ یعنی اینکه انسان باید نیازها را برطرف کند تا به او گفته شود که او فردی «شاد» است. حال کسانی که به دنبال خوشی هستند، تصورشان این است که اگر خواسته‌هایشان برآورده شود، از زندگی خوشنود خواهند بود. آن‌ها همیشه جامعه و محیطی را طلب می‌کنند که خواسته‌هایشان برآورده شود. اگر فردی چیزی را نمی‌خواهد که در زندگی دارد

و چیزی را در زندگی دارد که نمی‌خواهد داشته باشد، در اینجا معنا این است که خواسته‌های او برآورده نشده لذا مکتبی که شادی را به معنای خوشی می‌داند، او را شادکام نمی‌پندارد؛ زیرا چیزی را که نمی‌خواهد دارد و چیزی را که می‌خواهد ندارد. در بحث نیاز نه تنها نیاز به این است که برای برآورده شدن نیازها باید به متخصص مراجعه کرد بلکه برای تشخیص موارد نیازها نیز باید به متخصص مراجعه نمود. این متخصصان چه کسانی هستند و چه کسانی می‌توانند نوع نیاز انسان‌ها را تشخیص دهند؟ برای مشخص شدن نیازهای انسان، در هر مورد باید به سراغ آن علم و عالمان آن رفت.

۳. تعلق:

انسان‌ها در حیات دنیوی تعلقاتی دارند که تلاش در به‌دست‌آوردن و حفظ آن‌ها گاهی در جهت خواسته‌ها و گاهی در جهت نیازها می‌باشد افرادی که شادی به معنای خوشی را در افکار، گفتار و کردار خود قبول دارند به خواسته‌ها توجه می‌کنند و افرادی که شادی به معنای بهروزی را مورد پذیرش قرار داده‌اند در جهت نیازها حرکت می‌کنند در معنای خوشی به خواسته‌ها توجه می‌شود اما در معنای بهروزی به نیازها توجه می‌شود و خواسته و نیاز در بسیاری از موارد باهم منطبق نیستند. چنان‌که در آیه ۳۲ سوره روم «مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِعْبًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» شادی به تعلقاتی که نشئت گرفته از خواسته‌های نفسانی است مورد تأکید و سرزنش قرار گرفته است.

دلایل ترجیح خوشی بر بهروزی

عده کثیری از انسان‌ها بیشتر به دنبال رفع خواسته‌های خود (خوشی) هستند و به نیازهای اساسی خود (بهروزی) توجهی ندارند که دلایل مختلفی دارد که در ذیل به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

الف) غفلت

انسان‌ها، خواسته (خوشی) را بر نیاز (بهروزی) ترجیح داده و این ترجیح نیز از منظر آیات و روایات دلایل متعددی دارد، از جمله آنکه، انسان گاهی دچار غفلت شده و شادی‌های ارزنده‌تر (بهروزی) را فراموش کرده و غرق در شادی‌های زودگذر می‌شود و بیش‌ازحد به هوس‌های کم‌ارزش توجه می‌کند. دل‌بستن به خوشی‌های زودگذر دنیا از عواملی است که انسان را از یاد خدا غافل کرده و

به غیر خدا مشغول و انسان را از راه راست به سوی ظلمت منحرف می‌کند. انسان وقتی که تنها فکر و خیالش ساختن و زیبا کردن دنیای مادی خود باشد برای رسیدن به آن از هیچ چیز فروگذاری نمی‌کند تا حدی که به نیازهای اساسی خود توجه نکرده و خواسته‌های او بر نیازهای غلبه خواهد کرد (مصباح، ۱۳۷۶: ۱۲۴). قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «أَنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غٰفِلُونَ» (یونس: ۷). مولی علی علیه السلام تمامی خواسته‌های انسانی را در حدیثی به شش دسته تقسیم کرده و انسان‌ها را از غم خوردن بر آن نهی کرده است امام علی علیه السلام به عمار فرمود: ای عمار! بر دنیا غم مخور که تمام لذات آن شش چیز است: خوردنی، آشامیدنی، پوشیدنی، آمیزشی، سوارشدنی و بوییدنی. اما لذیذترین خوردنی‌ها عسل است که آن شیره گیاهی آمیخته به بزاق زنبور است؛ گواراترین آشامیدنی‌ها آب است که تمام حیوانات از آن می‌نوشند؛ و بهترین پوشیدنی‌ها ابریشم است که از آب دهان کرمی باشد ... بهترین سوار شدنی‌ها اسب است و آن کشنده است و مردان بی‌شماری را بر پشت خود به هلاکت می‌رساند، ارزشمندترین بوییدنی‌ها مُشک است و آن خون ناف حیوان (آهو) است. پس دنیا چه زیبایی دارد؟ و چگونه می‌شود به آن دل‌بستگی داشت و تفاخر نمود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳، ج ۴: ۱۷۱۴ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸: ۱۱).

ب) راحت‌طلبی

دومین عامل ترجیح خوشی بر بهروزی آنکه، گرایش به لذایذ بی‌اهمیت، راحت‌طلبی و غرق شدن در هوس‌های پست و کم‌ارزش برای لذت‌گرایی افراطی و تن‌ندادن به سختی و کار و تلاش است. انسان می‌پندارد که می‌تواند زندگی آسانی داشته باشد و بر اساس علاقه افراطی به لذت، می‌خواهد از هر چیزی که سبب رنج و مشقت شود، بگریزد؛ از این‌رو غرق در لذت‌های پست و کم‌ارزش می‌شود غافل از این‌که این زندگی دنیا را خداوند همراه با رنج و سختی و کار و کوشش قرار داده است. قرآن دربارهٔ همراهی و آمیختگی زندگی دنیا با رنج و زحمت، می‌گوید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد: ۴). در کتاب شریف کافی، بابی به‌عنوان نكوهش از تنبلی و کسالت «کراهیه الکسل» آمده است که در یک روایت از آن چنین می‌گوید: «عن ابی الحسن موسی علیه السلام قال قال ابی علیه السلام لبعض ولده ایاک والکسل والضجره فانهما یمنعانک من حظک من الدنیا والاخره» (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۵: ۸۵). امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: پدرم می‌فرمود: از تنبلی و افسردگی پرهیز که این دو، تو را از بهره دنیا

و آخرت باز می‌دارد. همچنین امام سجاد^{علیه السلام} در فرازی از دعای ماه مبارک رمضان - که هر روز آن را می‌خواند - چنین درخواست کرده است: «... اللهم اذهب عني فيه النعاس والكسل والسامه والفترة والقسوه والغفله والغره ...» (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۴: ۷۵)؛ خدایا! چرت، تنبلی، خستگی، سستی، سنگدلی، غفلت و فریب خوردگی را از من بزدای.

ج) عدم درک لذت‌های والای انسانی

کوتاهی در شکوفا کردن استعداد و درک لذت‌های والای انسانی و بسنده کردن به لذت‌های طبیعی خودجوش نیز عامل جنبی سوم در ترجیح خواسته بر نیاز (خوشی بر بهروزی) است (مصباح، ۱۳۷۶: ۱۲۴). بسیاری از آیات قرآن کریم دلالت دارند بر این که انسان‌ها به‌حسب طبیعتشان طالب لذت‌های مادی و دنیایی‌اند. در صورتی که لذت‌های آخرتی با لذت‌های دنیایی تزاخم پیدا کنند و از همه لذات نتوان بهره برد، باید لذت‌های بهتر و برتر را برگزید که همان لذت‌های اخروی است. «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (اعلی: ۱۶ و ۱۷). این بدین معنی نیست که شادی‌های دنیا ناپسند است، بلکه در دنیا شادی‌های حلالی وجود دارد که خداوند باری‌تعالی آن‌ها را حرام نکرده است. در صورتی که شادی‌های دنیوی (چه حلال و چه حرام) با شادی‌های اخروی تزاخم پیدا نماید، انسان‌های بهروز شادی‌های اخروی را بر شادی‌های دنیوی ترجیح می‌دهند؛ زیرا که در مقام مقایسه و ارزیابی میان شادی‌ها، دو معیار برای ترجیح یک شادی و لذت وجود دارد؛ یکی کیفیت برتر و دیگری دوام بیشتر که بر این اساس، شادی‌های اخروی رجحان و مزیت دارد؛ به‌عنوان مثال در تفسیر آیه ۸۱ سوره توبه آمده که منافقین برای برآورده کردن خواسته‌هایشان، به نیاز اساسی خود و جامعه پشت کردند، به همین دلیل خوشی را کسب کردند و به فرموده قرآن کم خندیدند و بسیار گریه کردند؛ چراکه به دنبال رفع نیاز نرفتند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۴۸۶).

نتیجه‌گیری

از نظر آموزه‌های اسلامی، شادی انسان در گرو کمال اوست که همان قرب به خداوند است. با این وجود، شادی به معنای خوشی انسان نیز نادیده گرفته نشده و تمام آنچه فطرت پاک انسانی آن‌ها را در جهت خیر و کمال دنیوی انسان می‌بیند، در بهروزی انسان مؤثر است؛ اما از نظر اسلامی، بهروزی دنیوی انسان در راستای بهروزی اخروی او تعریف می‌شود، معنای اول فرح یعنی «خوشی» لذت‌جویانه و نتیجه خواسته‌های اوست و معنای دوم فرح یعنی «بهروزی» نتیجه نیازهای اوست؛ این‌که انسان چقدر از مواهب انسانی برخوردار می‌باشد، نه این‌که چقدر لذت می‌برد. حال اگر بین انسانیت و لذت تعارضی پیش آمد، باید به دنبال انسانیت بود نه به دنبال لذت.

فرح در معنای لذت‌جویانه با واژه «اتی» هم‌نشین شده است، منظور از «اتی» و هم‌خانواده‌های آن، دارایی، مقام، موقعیت اجتماعی و سایر تعلقات زندگی دنیوی است که به انسان داده شده است این تعلقات در مورد افراد زیادی موجب اشتغال خاطر، تمایل روح انسانی به آن، غفلت از اعمال عبادی، بی‌توجهی به مردم‌داری و کم‌توجهی برای تقرب به ساحت قدس الهی می‌گردد در حالی‌که انسان باید توجه داشته باشد که مالک حقیقی خداوند است؛ چرا که مالکیت او پایدار و اصیل است.

هم‌نشین دیگر فرح که در معنای لذت‌گرایی مورد استفاده قرار گرفته «سوء و بدخواهی» می‌باشد. قرآن، بدخواهی را از امور زشت و ناپه‌نجاری می‌شمارد که از یک‌سو خاص و ویژه است و از سوی دیگر از بدی‌ها و زشتی‌های دیگر به جهاتی مهم‌تر و قابل‌درنگ‌تر می‌باشد. شاید یکی از علل ویژه بودن این شر و زشتی، ویژگی مخفی بودن آن است که امکان تحلیل و داوری و بازپروری را از دیگران می‌گیرد. پنهان بودن علل رفتارهای ناپه‌نجار برخاسته از بدخواهی، این امر را تشدید می‌کند و توان مقابله را از شخص و یا دیگران می‌گیرد و امکان بازسازی را از میان می‌برد.

فرح در معنای بهروزی با واژه «فضل» هم‌نشین شده است. در واقع فرح و شادی زمانی تداوم دارد که به موارد ماندگاری مثل رحمت و فضل باری تعالی ببیوندد؛ چون این امور از بهترین چیزهایی است که فرد قادر است به‌جای تمتع از لذایذ زودگذر جهان مادی برای خود انتخاب نماید.

هم‌نشین دیگر فرح که در معنای بهروزی مورد استفاده قرار گرفته «نصر» می‌باشد. قرآن کریم نصرت خداوند را شامل همه موجودات عالم می‌داند اما در بخش معنوی، در راستای وعده

الهی کسی که تقوای خدا داشته و دین خدا را یاری نماید از عنایات و کمک‌های خاص او بهره‌مند خواهد بود که این نصرت‌های ویژه خداوند متعال باعث شادی و فرح حقیقی خواهد شد. تفاوت‌های خوشی و بهروزی را می‌توان در سه مطلب مهم احصاء کرد اولاً خوشی به خوشنودی افراد بستگی دارد و یا لذتی که در زندگی می‌برند اما بهروزی به لیاقت انسان نامیدن افراد بستگی دارد. ثانیاً در معنای خوشی به خواسته‌ها توجه می‌شود اما در معنای بهروزی به نیازها توجه می‌شود و خواسته و نیاز در بسیاری از موارد باهم منطبق نیستند و در نهایت همه با «خواسته‌های» خود حدوداً آشنایی دارند؛ اما لزوماً از «نیازهای» خود باخبر نیستند. بسیاری از انسان‌ها خوشی را بر بهروزی ترجیح می‌دهند که به دلایل زیادی وابسته است و می‌توان به مهم‌ترین آن‌ها از جمله غفلت، راحت‌طلبی و عدم درک لذت‌های والای انسانی اشاره کرد.

فهرست منابع

- 0 قرآن کریم.
- 0 نهج البلاغه.
- 0 ابن ابی الحدید (۱۳۷۸)، شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- 0 ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- 0 ابن فارس، احمد (۱۴۲۲)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: ابراهیم شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- 0 ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- 0 ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴)، امالی شیخ صدوق، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: کتابچی.
- 0 ابن فارس، احمد (۱۴۲۲)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق هارون عبدالسلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- 0 احمدی، بابک (۱۳۸۸)، از نشانه‌های تصویری تا متن، تهران: نشر مرکز، چاپ هشتم.
- 0 امراللهی بیوکی، ناهید و دانایی فرد، حسن و اصغر فانی، علی و رضائیان، علی (۱۳۹۳)، طراحی الگوی بهروزی سازمانی: تبیین نقش محوری سرمایه روان‌شناختی مثبت در سازمان‌های دولتی ایران، فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، سال سوم، شماره ۱ و ۲.

- 0 ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۷۸)، *الله و الانسان فى القرآن*، ترجمه هلال محمد الجهاد، بیروت: المنظمه العربيه.
- 0 بهشتی، محمد (۱۳۸۷)، *فرهنگ صبا فارسی*، تهران: صبا، چاپ سوم.
- 0 پسندیده، عباس (۱۳۹۲)، *شادکامی از دیدگاه پیامبر اعظم ﷺ*، تهران: مؤسسه انتشارات نشر.
- 0 تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰)، *غررالحکم و دررالکلم*، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، محقق و مصحح: رجائی، سید مهدی، قم: دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم.
- 0 ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق)، *تفسیر روان جاوید*، تهران: برهان، چاپ سوم.
- 0 حر عاملی، محمد (۱۳۸۷)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، چاپ چهارم.
- 0 حق‌شناس، مریم (۱۳۹۳)، *بررسی ابعاد مدیریتی در توانمندسازی رقابتی سازمان‌های رسانه‌ای*، مجله مدیریت رسانه، شماره ۶ و ۷.
- 0 دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- 0 راغب اصفهانی (۱۴۰۴)، *المفردات فى غریب القرآن*، تهران: نشر کتاب، چاپ سوم.
- 0 رضایی، غلامرضا (۱۳۹۵)، *بیوت مرقع اهل بیت علیهم السلام*، مجله پژوهش‌نامه حج و زیارت، سال اول، شماره ۲.
- 0 ژان برن (۱۳۵۷)، *فلسفه اپیکور*، ترجمه سید ابوالقاسم پورحسینی، تهران: امیرکبیر.
- 0 سلیگمن، مارتین و همکاران (۲۰۰۰)، *شادمانی درونی*، ترجمه دکتر مصطفی تبریزی، تهران: دانژه.
- 0 سوسور، فردینان (۱۳۸۰)، *مبانی ساخت‌گرایی در زبان‌شناسی*، ترجمه کورش صفوی، تهران: حوزه هنری.
- 0 سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۳۲)، *الدر المنثور فى التفسیر بالمأثور*، بیروت: دارالفکر.
- 0 صفوی، کورش (۱۳۸۷)، *درآمدی بر معناشناسی*، تهران: حوزه هنری.
- 0 طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۷)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی و دیگران، تهران: رجا.
- 0 طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، *المیزان فى تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- 0 طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۶۰)، *مجمع‌البیان فى تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات.
- 0 طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، *مجمع‌البحرین*، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- 0 عمید، حسن (۱۳۷۷)، *فرهنگ عمید*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- 0 فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۳۸۷)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
- 0 قرشی بنایی، علی‌اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- 0 کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۳)، *پرسش و پاسخ‌ها*، قم: دفتر نشر معارف.
- 0 کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳)، *کافی*، ترجمه حسین استاد ولی، تهران: دار الثقلین.
- 0 مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.
- 0 محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۳)، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: نشر دارالحدیث.
- 0 مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶)، *قرآن‌شناسی*، تحریر محمود رجبی، قم: مؤسسه امام خمینی علیه‌السلام.
- 0 مصطفوی، حسن (۱۴۰۲)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: مرکز الکتاب للترجمه و النشر.
- 0 میرباقری فرد، سید علی‌اصغر و همکاران (۱۳۹۳)، *تبیین رویکرد عرفانی مسلمان نسبت به فرح و شادمانی با توجه به آیات و روایات*، انسان‌پژوهی دینی، سال یازدهم، شماره ۳۱.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی